



علل لجبازی کودکان و راه درمان آن / فرد لجباز باید بازسازی شود

برخی کودکان به دلایل مختلفی دچار روحیه لجبازی می شوند که اگر درمان نشود ممکن در بزرگسالی مشکلات زیادی را برای آنها بوجود بیاورد.

خبرگزاری مهر- برخی کودکان به دلایل مختلفی دچار روحیه لجبازی می شوند که اگر درمان نشود ممکن در بزرگسالی مشکلات زیادی را برای آنها بوجود بیاورد.

یکی از روحیاتی که در برخی از کودکان به چشم می خورد روحیه لجبازی است، کودکانی که دارای این گونه روحیه می باشند زندگی را برای دیگران تلخ می سازند. آنچه که در فرد لجوج وجود دارد اصرار در به کرسی نشاندن حرف خود است. موضوعات برای لجوج چندان اهمیت ندارد بلکه مهم یکدندگی و تسلیم نشدن در برابر افکار دیگران است.

فرد لجوج برای اینکه خواهش غرورآمیز خود را اعمال نماید در هر انجمنی سخنی به میان آید و در هر موضوعی اظهارنظر شود بدون اینکه قصد راهنمایی داشته باشد بی درنگ زبان به اعتراض می گشاید و با جملات و انتقادات بی مورد درصدد کوبیدن و نابود ساختن شخصیت دیگران است. شخص لجوج با روحیه لجبازی قضاوت منصفانه را از دست داده و به حق کشی منجر می گردد. حضرت علی(ع) می فرماید: لجاجت فکر و اندیشه را تباه می سازد.

وراثت و لجاجت

بدون تردید روحیات پدران و مادران در فرزندان اثر می گذارد این تاثیر به صورت زمینه های بسیار کوچکی به کودکان انتقال می یابد. ولی بروز و رشد این زمینه ها تابع شرایط محیطی است اگر مقتضیات تربیتی موافق و مساعد با این زمینه ها باشد پرورش و رشد آنها قطعی است و اگر جو پرورشی برخلاف آن باشد برای ظهور و بروز آنها مجالی فراهم نخواهد آمد.

کودک با روحیه لجبازی از پدر و مادر متولد نمی گردد بلکه با فطرت پاک قدم به جهان هستی می گذارد و این عوامل سازنده تربیتی او است که می تواند از او یک انسان سازگار و یا فرد لجباز و یک دنده ساخته تحویل اجتماع دهد.

علل لجبازی

لجبازی کودکان نمی تواند در انحصار یک علت و عامل باشد بلکه علل و عوامل متعددی در پیدایش روحیه لجبازی اثر دارد. یکی از علل، محبت های افراطی پدران و مادران است، البته در مواردی اوضاع خارجی هم در ضرورت این توجه و محبت فوق العاده موثر می باشد؛ مثلاً برخی از کودکان فرزند منحصر خانواده هستند یا از نظر جنسیت تنها پسر خانواده هستند و یا در بعضی موارد معلول و ناتوان بوده که وضع استثنایی را برای او وجود می آورد؛ در چنین مواردی پدران و مادران می کوشند به همه خواسته های کودک جواب مثبت دهند، گرچه برخی از این تمایلات اصولی و منطقی نباشد در نتیجه چنین کودکانی به تدریج با روحیه لجبازی تربیت می شوند.

واضح است کودکانی که در خردسالی هرچه خواسته، فوراً برایش تهیه شده، بعدها با این روحیه خوگرفته و توقع دارد هرچه بخواهد و هرچه بگوید بدون قید و شرط خواسته اش فوراً مستجاب شود.

محرومیت ها و لجبازی

کودک در هر دوره از زمانی نیازهایی دارد او همانطور که به غذا و لباس احتیاج دارد به بازی و تفریح هم نیازمند است. برخی از پدران و مادران بر اثر بی توجهی به نیازهای طبیعی کودکان یا علاقمندی افراطی آنان به جنبه های آموزش فرزندانشان هیچ گاه وسایل بازی و تفریح های مشروع برای فرزندان خود تهیه نمی کنند. در برخی از خانواده ها کودکان گرفتار فقدان عواطف بوده و از امنیت خاطر برخوردار نیستند، در محیط خانوادگی آنان به جای صفا و صمیمیت جنگ و جدال و جدایی، حاکم مطلق است. بدیهی است این محرومیت ها بتدریج کودکان را عقده ای و لجباز بار می آورد. این گونه کودکان با روحیه لجبازی، عقده ها و ناراحتی های خود را جبران می نمایند. بعضی از خانواده ها کودکان خود را از بسیاری از آزادی های معقول و مشروع باز داشته و به سختی آنان را در منگنه فشار قرار می دهند. این گونه کودکان با مکانیسم دفاعی به یک نوع اعتیاد و آلودگی خطرناکی دست می زنند و ریشه و انگیزه این کار جز لجاجت و دهن کجی کردن چیز دیگری نمی باشد.

در همه مقررات و قوانین اسلامی این واقعیت به چشم می خورد که اسلام به طور جدی و قاطع با هر عاملی که از آن تفرقه و جدایی و دشمنی و عداوت و کینه توزی به وجود آید شدیداً مبارزه کرده است تا آنجا که از عواملی هم که امکان بروز هر نوع تصادم و برخوردی داده می شود اکیداً جلوگیری به عمل آورده است. امام باقر(ع) می فرماید: ستیزه جویی و جدال را رها ساز اگرچه حق با تو باشد.

درمان لجاجت

درمان لجاجت کودکان کمی دشوار است باید کوشید از راه های صحیح و اصولی به مبارزه با لجبازی قیام کرد. برخی از پدران و مادران می کوشند با تسلیم شدن و آزاد گذاشتن کودکان لجباز، او را تربیت کرده و ضمناً خود را از اصرار و ابرام و گریه او نجات و رهایی بخشند. عده ای هم می کوشند با توسل به زور و کتک زدن لجبازی او را از بین ببرند.

بدیهی است این دو روش منطقی و اصولی نمی باشد، زیرا کودکی که با اصرار حرفش را به کرسی بنشانند علاوه بر اینکه لجبازی پایان نمی پذیرد بلکه بر مدت و شدت آن افزوده می شود و اما نارسا بودن روش دوم اینکه اصولاً تنبیه بدنی هرگز نمی تواند یک عامل تربیتی به شمار آید، راه اساسی این است که فرد لجباز باید بازسازی گردد و تمام علل و عوامل که روح لجاجت را در او بوجود آورده باید از بین برود تا کودک عادل خود را بازیافته از لجبازی دست بکشد و پیش از بازسازی، بهترین روش درمانی، عدم اعتناء و توجه به کودک لجباز است بدون اینکه تسلیم او شده یا به زور و تنبیه متوسل گشته باشیم.